



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

## کلمات توصیف شخصیت در انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی © ۱۰.۷۹k بازدید



## موضوعات این مقاله

۱ صفات شخصیتی مثبت

۲ صفات شخصیتی خنثی و روزمره

۳ صفات شخصیتی منفی

۴ صفات شخصیتی پیشرفته و پیچیده

۵ افعال و عبارات رایج برای توصیف شخصیت افراد

۶ مثال‌های کاربردی و انشا انگلیسی درباره شخصیت

۷ جمع بندی شخصیت به انگلیسی

۸ سوالات متداول شخصیت در انگلیسی

برای صحبت کردن درباره آدم‌ها، معرفی خود یا توصیف دیگران، دانستن واژگان مربوط به شخصیت در انگلیسی کاملاً ضروریست. در این مقاله با مجموعه‌ای کامل از صفات شخصیتی به انگلیسی آشنا می‌شوید که کمک می‌کند انواع شخصیت‌ها به انگلیسی را دقیق و طبیعی بیان کنید. تمرکز ما روی توصیف شخصیت به انگلیسی با کلمات واقعی و قابل استفاده در مکالمه است، همراه با جملات کوتاه انگلیسی درباره شخصیت که بتوانید آن‌ها را مستقیماً در صحبت و نوشتن به کار ببرید. البته، این فقط بخش کوچکی از [آموزش زبان انگلیسی](#) توسط زبان مستر است.

## صفات شخصیتی مثبت

kind

مهربان

She is **kind to** everyone she works with.

او با همه کسانی که با آنها کار می‌کند مهربان است.

honest

صادق

He is **honest about** his mistakes.

او درباره اشتباهاتش صادق است.

reliable

قابل اعتماد، قابل اتکا

She is a **reliable** colleague who always finishes her tasks.

او همکار قابل اتکاییست که همیشه کارهایش را تمام می‌کند.

responsible

مسئولیت‌پذیر

He is **responsible** for managing the team.

او مسؤل مدیریت تیم است.

hardworking

سخت کوش

She is **hardworking** and never gives up easily.

او سخت کوش است و به راحتی تسلیم نمی شود.

patient

صبور

He is **patient** when explaining things to others.

هنگام توضیح دادن به دیگران صبور است.

supportive

حامی، پشتیبان

She is **supportive** of her friends' decisions.

او از تصمیمات دوستانش حمایت می‌کند.

open-minded

حامی، پشتیبان

He is open-minded and listens to different opinions.

او روشن‌فکر است و به نظرهای مختلف گوش می‌دهد.

ambitious

جاه‌طلب

She is ambitious and wants to grow professionally.

او جاه‌طلب است و می‌خواهد از نظر حرفه‌ای پیشرفت کند.

generous

سخاوتمند

He is generous with his time and knowledge.

او در وقت و دانشش سخاوتمند است.

polite

مودب

She is **polite** even in difficult situations.

او حتی در موقعیت‌های سخت هم مودب است.

trustworthy

قابل اعتماد

He is **trustworthy** and keeps secrets.

او قابل اعتماد است و رازها را نگه می‌دارد.

creative

خلاق

She is **creative** and comes up with new ideas.

او خلاق است و ایده‌های جدید مطرح می‌کند.

disciplined

منظم، با انضباط

He is **disciplined** and follows a clear routine.

او با انضباط است و برنامه مشخصی را دنبال می‌کند.

flexible

انعطاف‌پذیر

She is **flexible** when plans change.

وقتی برنامه‌ها تغییر می‌کنند، انعطاف‌پذیر است.

empathetic

همدل

He is **empathetic** and understands others easily.

او همدل است و به راحتی دیگران را درک می کند.

confident

با اعتماد به نفس

She is **confident** in her abilities.

او به توانایی هایش اعتماد دارد.

optimistic

خوش بین

He is **optimistic** about future challenges.

او نسبت به چالش های آینده خوش بین است.

loyal

وفادار

She is **loyal** to her friends and values trust.

او به دوستانش وفادار است و به اعتماد اهمیت می دهد.

practical

عمل‌گرا

He is **practical** and focuses on real solutions.

او عمل‌گراست و روی راه‌حل‌های واقعی تمرکز می کند.

بیشتر بخوانید: زیباترین کلمات انگلیسی

## صفات شخصیتی خنثی و روزمره

این صفات نه لزوماً مثبت‌اند نه منفی؛ دقیقاً همان چیزهایی هستند که برای توصیف شخصیت به انگلیسی در زندگی روزمره، محل کار و معرفی افراد استفاده می‌شوند.

calm

آرام

He is **calm** even in stressful situations.

او حتی در موقعیت‌های پر استرس هم آرام است.

---

quiet

کم حرف، ساکت و آرام

She is **quiet** but very observant.

او کم حرف است اما بسیار دقیق.

---

serious

جدی

He is **serious about** his responsibilities.

او نسبت به مسئولیت‌هایش جدی است.

---

easygoing

راحت‌گیر

She is **easygoing** and gets along with everyone.

او راحت‌گیر است و با همه کنار می‌آید.

reserved

کم احساس در ظاهر، محتاط در رفتار

He is **reserved** and doesn't talk much about himself.

او محتاط است و زیاد درباره خودش صحبت نمی‌کند.

talkative

پرحرف

She is **talkative** and enjoys conversations.

او پرحرف است و از گفتگو لذت می‌برد.

practical-minded

عمل‌گرا در تفکر

He is **practical-minded** and avoids unnecessary risks.

او در تفکر عمل‌گراست و از ریسک‌های غیرضروری دوری می‌کند.

independent

مستقل

She is **independent** and prefers to make her own decisions.

او مستقل است و ترجیح می دهد خودش تصمیم بگیرد.

cautious

محتاط

He is **cautious** when dealing with new situations.

او هنگام روبه رو شدن با موقعیت های جدید محتاط است.

straightforward

رک و صریح

She is **straightforward** and says what she thinks.

او رک و صریح است و نظرش را مستقیم می گوید.

observant

نکته‌بین، مشاهده‌گر

He is **observant** and notices small details.

او نکته‌بین است و جزئیات کوچک را متوجه می‌شود.

balanced

متعادل

She has a **balanced** personality at work.

او در محل کار شخصیتی متعادل دارد.

modest

متواضع، مأخوذ به حیا

He is **modest** about his achievements.

او درباره موفقیت‌هایش افتاده است.

realistic

واقع‌بین، واقع‌گرا

She is **realistic** about her goals.

او نسبت به اهدافش واقع‌بین است.

consistent

باثبات، ثابت‌قدم

He is **consistent** in his behavior.

او در رفتارش باثبات است.

introverted

درون‌گرا

She is **introverted** and prefers small groups.

او درون‌گراست و گروه‌های کوچک را ترجیح می‌دهد.

extroverted

برون‌گرا

He is **extroverted** and enjoys social events.

او برون‌گراست و از رویدادهای (جمع‌های) اجتماعی لذت می‌برد.

methodical

مرحله‌به‌مرحله و منظم

She is **methodical** in her approach to work.

او در روش کارش مرحله‌به‌مرحله عمل می‌کند.

objective

بی‌طرف

He tries to **stay objective** in discussions.

او سعی می‌کند در بحث‌ها بی‌طرف بماند.

predictable

قابل پیش بینی

She is **predictable** in her daily routine.

او در برنامه روزانه اش قابل پیش بینی است.

بیشتر بخوانید: لیست کامل کلمات متضاد در انگلیسی

## صفات شخصیتی منفی

arrogant

متکبر

He is **arrogant** and never listens to others.

او متکبر است و هرگز به حرف دیگران گوش نمی دهد.

selfish

خودخواه

She is **selfish** and only thinks about herself.

او خودخواه است و فقط به خودش فکر می کند.

impatient

کم طاقت

He is **impatient** when things take too long.

وقتی کارها طول می کشند، کم طاقت می شود.

rude

بی ادب

She was **rude to** the waiter.

او با گارسون بی ادبانه رفتار کرد.

stubborn

لجباز

He is **stubborn** and refuses to change his mind.

او لجباز است و حاضر نیست نظرش را عوض کند.

lazy

تنبل

She is **lazy** and avoids responsibilities.

او تنبل است و از مسئولیت‌ها فرار می‌کند.

irresponsible

بی‌مسئولیت

He is **irresponsible with** deadlines.

او در رعایت ددلاین‌ها بی‌مسئولیت است.

jealous

حسود

She is **jealous** of other people's success.

او به موفقیت دیگران حسادت می کند.

manipulative

سوء استفاده گر (کسی که آدمها را بازی می دهد و کنترل می کند)

He is **manipulative** and uses people for his own benefit.

او سوء استفاده گر است و از دیگران به نفع خودش استفاده می کند.

moody

دمدمی مزاج، مودی

She is **moody** and her behavior changes quickly.

او دمدمی مزاج است و رفتارش زود عوض می شود.

inconsiderate

بی ملاحظه

He is **inconsiderate** of other people's time.

او نسبت به وقت دیگران بی‌ملاحظه است.

critical

بیش‌ازحد انتقادگر

She is very **critical** of her coworkers.

او نسبت به همکارانش بیش‌ازحد انتقادگر است.

pessimistic

بدبین

He is **pessimistic** about any new idea.

او نسبت به هر ایده جدیدی بدبین است.

narrow-minded

تنگ‌نظر، دارای ذهن بسته و تفکر محدود

She is **narrow-minded** and rejects new perspectives.

او ذهنش بسته است و دیدگاه‌های جدید را رد می‌کند.

bossy

دستورده، سلطه‌جو، رییس‌مآب

He is **bossy** and likes to control others.

او رییس‌مآب است و دوست دارد دیگران را کنترل کند.

unreliable

غیرقابل اعتماد، غیرقابل اتکا

She is **unreliable** and often breaks promises.

او غیرقابل اتکاست و اغلب به قول‌هایش عمل نمی‌کند.

insensitive

بی‌تفاوت، بی‌احساس نسبت به دیگران

He is **insensitive** to other people's problems.

او نسبت به مشکلات دیگران بی توجه است.

argumentative

اهل بحث و دعوا

She is **argumentative** and enjoys arguing.

او اهل بحث است و از جر و بحث لذت می برد.

unmotivated

بی انگیزه

He is **unmotivated** at work these days.

این روزها سر کار بی انگیزه است.

deceitful

فریبکار

She is **deceitful** and hides the truth.

او فریبکار است و حقیقت را پنهان می‌کند.

## صفات شخصیتی پیشرفته و پیچیده

meticulous

بسیار دقیق و وسواسی در جزئیات

He is **meticulous** about every detail of his work.

او نسبت به تمام جزئیات کارش بسیار دقیق است.

perceptive

تیزبین، دارای درک بالا

She is **perceptive** and quickly understands people.

او تیزبین است و خیلی سریع آدم‌ها را درک می‌کند.

eccentric

غیرعادی، خاص و متفاوت

He is **eccentric** but highly creative.

او غیرعادی است اما بسیار خلاق است.

intuitive

شهودی

She is **intuitive** and trusts her instincts.

او شهودی است و به حس درونی اش اعتماد می کند.

analytical

تحلیل گر

He is **analytical** and approaches problems logically.

او تحلیل گر است و مشکلات را منطقی بررسی می کند.

charismatic

کاریزماتیک

She is **charismatic** and easily attracts people.

او کاریزماتیک است و به راحتی توجه دیگران را جلب می کند.

resilient

مقاوم (از نظر شخصیتی)

He is **resilient** and recovers quickly from setbacks.

او از نظر شخصیتی مقاوم است و بعد از شکست ها زود خودش را جمع و جور می کند.

scrupulous

دقیق و با وجدان (مخصوصا از نظر کاری)

She is **scrupulous** about honesty at work.

او در محیط کار به صداقت بسیار پایبند است.

astute

زیرک و هوشیار

He is **astute** in business decisions.

او در تصمیم‌های کاری بسیار زیرک است.

cynical

بدبین (و طعنه‌زن)

She is **cynical about** political promises.

او نسبت به وعده‌های سیاسی بدبین است.

idealistic

آرمان‌گرا

He is **idealistic** and believes change is possible.

او آرمان‌گراست و معتقد است تغییر ممکن است.

pragmatic

واقع‌گرا و عمل‌محور

She is **pragmatic** when making tough decisions.

او هنگام گرفتن تصمیم‌های سخت عمل‌گراست.

assertive

قاطع و باجرات

He is **assertive** without being aggressive.

او قاطع است بدون این‌که پرخاشگر باشد.

detached

فاصله‌دار از نظر احساسی

She appears **detached** in professional settings.

او در محیط‌های حرفه‌ای از نظر احساسی فاصله‌دار به نظر می‌رسد.

self-aware

خودآگاه

He is **self-aware** and understands his strengths and weaknesses.

او خودآگاه است و نقاط قوت و ضعفش را می‌فهمد.

calculating

حسابگر

She is **calculating** in her career moves.

او در تصمیم‌های شغلی‌اش حسابگر است.

visionary

آینده‌نگر

He is **visionary** and thinks long-term.

او آینده‌نگر است و بلندمدت فکر می‌کند.

reserved-intellectual

درون‌گرای اندیشمند

She has a **reserved-intellectual** personality.

او شخصیتی درون‌گرا و اندیشمند دارد.

principled

ایبند به اصول

He is **principled** and refuses to compromise his values.

او پایبند به اصول است و حاضر نیست ارزش‌هایش را زیر پا بگذارد.

nuanced

چندلایه و ظریف

She has a **nuanced** personality that's hard to label.

او شخصیتی چندلایه دارد که به سختی می‌شود برچسب زد.

## افعال و عبارات رایج برای توصیف شخصیت افراد

be known for

به چیزی شناخته شدن (شناخته شده بودن)

He is **known for** his honesty and strong work ethic.

او به خاطر صداقت و اخلاق کاری برجسته‌اش شناخته می‌شود.

have a tendency to

تمایل داشتن به، رفتار مایل به یک حالت خاص داشتن

She **has a tendency to** think carefully before speaking.

او (معمولاً) مایل به این است که قبل از صحبت کردن با دقت فکر کند.

come across as

به نظر رسیدن، برداشت شدن به عنوان، یک جور خاص برداشت شدن

He **comes across as** confident in meetings.

او در جلسات فردی با اعتماد به نفس به نظر می‌رسد.

Be the type of person who ...

از آن آدم‌هایی بودن که ...

She's the type of person who always keeps her promises.

او از آن آدم‌هایی است که همیشه به قولش عمل می‌کند.

have a reputation for ...

شهرت داشتن به ...

He has a reputation for being fair and consistent.

او به منصف و باثبات بودن شهرت دارد.

stand out for ...

به خاطر ... متمایز بودن (و به چشم آمدن)

She stands out for her creative thinking.

او به خاطر تفکر خلاقش متمایز است.

tend to be ...

معمولا ... بودن

He **tends to be** reserved in formal situations.

او معمولاً در موقعیت‌های رسمی محتاط و کم‌حرف است.

show a strong sense of ...

نشان دادن حس قوی ...

She **shows a strong sense of** responsibility at work.

او در محل کار حس مسئولیت‌پذیری قوی‌ای نشان می‌دهد.

have a balanced personality

شخصیت متعادل داشتن

He **has a balanced personality** and handles pressure well.

او شخصیت متعادلی دارد و فشار را خوب مدیریت می‌کند.

act in a thoughtful way

سنجیده رفتار کردن

He acts in a thoughtful way when making decisions.

او هنگام تصمیم‌گیری سنجیده رفتار می‌کند.

have a strong character

شخصیت قوی داشتن

She has a strong character and stands by her values.

او شخصیت قوی‌ای دارد و پای ارزش‌هایش می‌ایستد.

be shaped by experience

شکل گرفتن از تجربیات، پخته شدن با تجربیات

His personality is shaped by years of experience.

شخصیت او حاصل سال‌ها تجربه است (از سال‌ها تجربه شکل گرفته است).

be true to oneself

با خود روراست بودن

She is always true to herself.

او همیشه با خودش صادق و روراست است.

Have a unique way of thinking

طرز تفکر منحصر به فرد داشتن

He has a unique way of thinking about problems.

او طرز تفکر منحصر به فردی نسبت به مشکلات دارد.

بیشتر بخوانید: لیست کامل کلمات رایج انگلیسی

## مثال‌های کاربردی و انشا انگلیسی درباره شخصیت

در این بخش دو متن نمونه می‌بینید که می‌توانید از آن‌ها برای توصیف شخصیت به انگلیسی الهام بگیرید. واژگان استفاده شده از همان منطق مقاله می‌آیند و مناسب سطح واقعی مکالمه و رایتینگ هستند.

### متن درباره شخصیت خودم به انگلیسی با ترجمه

I consider myself a responsible and practical person. I usually think carefully before making decisions, especially in important situations. At work, I am disciplined and consistent, which helps me stay focused on my goals. I try to be open-minded and respectful when dealing with different opinions. Overall, I believe my personality is shaped by experience, and I am always working on improving myself.

من خودم را فردی مسئولیت‌پذیر و عمل‌گرا می‌دانم. معمولاً قبل از تصمیم‌گیری، به خصوص در موقعیت‌های مهم، با دقت فکر می‌کنم. در محل کار، منظم و باثبات هستم و این موضوع کمک می‌کند روی اهدافم تمرکز داشته باشم. سعی می‌کنم هنگام برخورد با نظرهای مختلف، روشن‌فکر و محترمانه رفتار کنم. در مجموع، معتقدم شخصیت من حاصل تجربه است و همیشه در حال بهتر کردن خودم هستم.

## متن انگلیسی درباره شخصیت دوست

My friend has a calm and balanced personality. He is easy to deal with and usually stays objective in discussions. People trust him because he is reliable and keeps his promises. Although he is reserved at first, he becomes very supportive once you get to know him. His thoughtful behavior makes him a great friend and colleague.

دوست من شخصیتی آرام و متعادل دارد. کنار آمدن با او راحت است و معمولاً در بحث‌های طرف‌بی‌طرف می‌ماند. مردم به او اعتماد دارند چون قابل اعتماد است و به قول‌هایش عمل می‌کند. اگرچه در ابتدا کم‌حرف به نظر می‌رسد، اما وقتی او را بشناسید، بسیار حامی می‌شود. رفتار سنجیده‌اش او را به دوستی و همکاری عالی تبدیل کرده است.

## جمع بندی شخصیت به انگلیسی

در این مقاله با تمرکز بر شخصیت در انگلیسی یاد گرفتید چطور افراد را به صورت دقیق، طبیعی و کاربردی توصیف کنید. از صفات مثبت، خنثی و منفی گرفته تا ویژگی‌های پیچیده‌تر، تلاش کردیم یک لیست صفات شخصیتی به انگلیسی بدون تکرار و کاملاً قابل استفاده ارائه کنیم. همچنین با عبارات رایج و متن‌های نمونه، توصیف شخصیت به انگلیسی از سطح کلمه به سطح جمله و متن ارتقا پیدا کرد. اگر این ساختارها را تمرین کنید، استفاده از شخصیت به انگلیسی در مکالمه و نوشتار برایتان بسیار روان‌تر خواهد شد.

## سوالات متداول شخصیت در انگلیسی

---

## چطور می‌توانم شخصیت خودم را به انگلیسی معرفی کنم؟

بهتر است از ترکیب چند صفت شخصیتی به همراه عبارات رایج استفاده کنید. جمله‌های ساده و واقعی معمولاً تأثیر بیشتری از توصیف‌های طولانی دارند.

## آیا حفظ کردن لیست صفات شخصیتی کافی است؟

خیر. مهم‌تر از حفظ کردن، استفاده از این واژه‌ها در جمله است. تمرین با جملات کوتاه انگلیسی درباره شخصیت باعث می‌شود کلمات در ذهن تثبیت شوند.

## تفاوت صفات شخصیتی با احساسات چیست؟

صفات شخصیتی ویژگی‌های پایدار افراد را توصیف می‌کنند، در حالی که احساسات معمولاً موقتی هستند. به همین دلیل در توصیف شخصیت به انگلیسی باید تمرکز اصلی روی traits باشد، نه feelings.

## کدام صفات شخصیتی برای موقعیت‌های رسمی مناسب‌تر هستند؟

صفات خنثی و مثبت مثل responsible، reliable، balanced یا principled معمولاً برای محیط‌های کاری و رسمی مناسب‌ترند.

## چطور می‌توانم دایره لغات مربوط به انواع شخصیت‌ها به انگلیسی را تقویت کنم؟

بهترین روش، خواندن متن‌های توصیفی کوتاه، نوشتن انشا درباره خود و دیگران، و استفاده فعال از واژه‌ها در مکالمه انگلیسی روزمره است.